

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نور علی تائبنده (محبوب‌علی‌شاه)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

در کتب بیشتر عرفا به خصوص عرفای اخیر، در دوران معاصر، بیعت را به پیوند ولایت معنی و تشبیه کرده‌اند. توجّه انسان به پیوند در زراعت، در باغداری است. در واقع به درختی که خداوند جان داده که رشد کند، بنا به امر و علمی که خداوند به بشر داده، به این درخت، جان اصلاح‌شده‌ای تزریق می‌کند که جریان آن را غالباً می‌دانید.

در مورد پیوند ولایت هم قبلاً گفته‌ام، همانطوری که پیوند زراعت را باید مراقبت کرد، آن پیوندزن و باغبان این باغ و چون که پیوند را زده است، هرگز غافل از این پیوند نیست و حتی وقتی پیوند بزرگ شد، درختی شد و میوه داد، باز هم مراقبت می‌کند زیرا هر گونه آفتی که باشد اول به پیوند می‌خورد. همین معنی در پیوند ولایت دیده می‌شود. همانطوری که در پیوند زراعت گیاهی را که پیوند زدیم یعنی مثلاً بادام شیرین را به تنه‌ی درخت بادام تلخ پیوند زده‌ایم، باید همیشه مراقبش باشیم ولی هرگز از آن تنه‌ای هم که دارای بادام تلخی بوده است که ما آن را شیرین کردیم، نباید غفلت کرد. بنابراین در پیوند ولایت هم درست است که آن پیوندزن و آن کسی که نگاه می‌کند، این را تربیت می‌کند، همیشه مراقب آن هست ولی هرگز پیوند را رها نمی‌کند حتی تا آخر عمر مراقب آن است. همین معنی‌ای است که مولوی البتّه مثال کشاورزی زده ولی به این صورت می‌گوید:

آن عزیزان که طیبیان دلند سوی رنجوران به پرسش مایلند

گر حذر از ننگ و از نامی کنند چاره اندیشند و پیغامی کنند

ورنه در ذهن‌شان بود این فکر در نیست معشوقی ز عاشق بی‌خبر

بنابراین اینکه ما گفتیم، عرفا گفته‌اند، که مراقبت از معنا غیر از مراقبتی است که از جسم است، به جای خود ولی مراقبه‌ی معنوی بی‌نیاز از جسم نیست. همان پیوند بادام شیرین به هیچ‌وجه بی‌نیاز از آن تنه‌ی بادام تلخ نیست، آن تنه باید باشد تا این پیوند بر آن عمل کند. این معنا در ذهن دشمنانی که دوستان جاهلی هستند یا دشمنان مغرض موجب می‌شود که از این طریق بخواهند اختلاف بیندازند. کما اینکه شنیدم یک چنین فکر و

زمزمه‌هایی ایجاد کردند و القاء شبهه کردند. این القاء شبهه هم در هر جا به یک صورت است. در مشرق‌زمین ما چون مکاتب عرفانی داریم، کتاب‌های عرفانی نوشته شده و همه توجّه به خداوند دارند و توجّه به یک ذکر و یاد خداوند که با توجّه خاص باشد، دارند ولی در آن مناطق دیگر، مناطق مغرب، چون این مکاتب کمتر از مشرق‌زمین است، در آنجا مکاتبی است که از هندوستان یا ممالک دیگر گرفتند. مثلاً شنیدم در اروپا خیلی از اشخاص برای تمرکز مدیتیشن می‌کنند و حال آنکه آن یک قطره‌ی آب است در مقابل دریای آب که عرفای مشرق‌زمین در اختیار دارند. ما چون به دریای عرفان دسترسی داریم و به اندازه‌ی لیاقت خودمان از آن استفاده می‌کنیم، به آن «مانترا»یی که می‌گویند، نیاز نداریم، چون ما خودمان به واسطه‌ی ذکرمان ارتباط مستقیم با خداوند است. وقتی که ما به این ذکر توجّه می‌کنیم از همه‌ی چیزهای دیگری نیازیم. این است که وقتی در این باره از من پرسیدند، گفتم این کار ضرری ندارد، من نگفتم مفید است، گفتم ضرری ندارد. البته اگر دقت کنیم مفید هم ممکن است بشود. به هر جهت در آن جا یک اختلافی انداختند بین کسانی که به این جلسات مدیتیشن می‌روند، تمرین می‌کنند و بین فقرا. بین این دو دسته اختلاف انداختند. نه! کسی که به درویشی توجّه دارد اگر در درویشی پیشرفت بکند، از تمام مسائل جهان بی‌نیاز می‌شود ولی در همان ایام هم همیشه نیازمند نظر پیر است. به قول مشهور:

چل چله و چل چله و چل چله یک نظر پیر به از صد چله

این هم که ما امور را تقسیم کردیم و در امور غیر فقری گفتیم فقرا خودشان آزادند، فکر کنند، منظورمان از «فکر کنند» نه فکری است که شیطان به آنها القاء می‌کند، بلکه همان فکر رحمانی است یعنی فکر رحمانی‌ای که همیشه باید بکنند. در این موقع این امور را به خود آنها واگذار کردیم. به هر جهت فکر باید رحمانی باشد و در هر لحظه که پیر امری کرد، آن امر تمام خصوصیاتش اعلام می‌شود.

مدیتیشن هم یک چیز ضروری نیست که هر کسی باید بکند. به منزله‌ی یک تفریحی است، تفریح عرفانی و آن هم به شرط اینکه ارتباطش با تمام مظاهر غیر خدا قطع بشود. از این رو، نه تنها فضیلتی ندارد بلکه اگر خود را دارای فضیلتی بداند، خیلی از ارزش آن کم خواهد شد. هیچ فضیلتی ندارد.

الان در یک دوران بحرانی هستیم، ان شاء الله خداوند این دوران بحران را بر ما گوارا

کند. علی علیه السلام می فرماید که ما را دوستانی است که اگر حنظل به او بدهیم برای او کاملاً گواراست و غذای او می شود. حالا اگر ما چیزهایی که خداوند به ما داده، ناگوار و حتی به منزله ی حنظل بدانیم، باید با گوارایی تحمّل کنیم و از هیچ چیز هراسی نداشته باشیم. ان شاء الله خداوند توفیق بدهد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه ۱۳۹۳/۷/۴ جلسه برادران ایمانی)

ما شاعر نیستیم ولی مثل اینکه گرفتاری ای که خیلی از شعرا داشتند و شعر گفتند، ما هم داریم.

سعدی می گوید:

همه از دست غیر می نالند سعدی از دست خویشتن فریاد
یا آن دیگری که می گوید:

من از بیگانگان هرگز ننالم که با من هر چه کرد آن آشنا کرد

و چند تا شعر دیگر که من حافظه ی شعری خوبی ندارم، یادم نیست، از این قبیل است.

شنیدید که هفت، هشت، ده روز پیش، اتوبوسی را که هر روز از بیدخت سفر می کند می آید تهران، برگرداندند. هم خیلی تهرانی ها می خواهند بروند بیدخت و هم خیلی بیدختی ها می خواهند بیایند تهران، بیایند و برگردند. این کار هر روزش است که این اتوبوس آمده، مسافر، زن، بچه ی شیرخوار، بچه ی کوچک، بزرگ، زن های مسن، مردهای پیر و اینها را در سبزواری نگه داشته اند، بعد از آنجا به بیدخت، به مشهد برگرداندند. خیلی ممنونیم که به بیدخت برگرداندند.

ولی مثل اینکه سرازیری طوری است که دیگری جا نمی ایستد، همینطور می رود. اینها که رفتند بیدخت، بعضی از اینها، به اضافه ی مسافری دیگری، طبق معمول فردا آمدند. اینها را نه تنها برگرداندند بلکه به بیدخت هم برنگرداندند. (یعنی نمی دانم برگرداندند یا نه؟) ولی به هر جهت هر کدام را به یک شهری تبعید کردند. یعنی یک نوغابی را به نوغاب تبعید کردند، یک جویمندی را به جویمند، یک بیدختی را به بیدخت، یک دلویی را به دلویی و امثال اینها. یعنی تا حالا همانجایی بودند که هستند ولی می توانستند بیایند تهران قوم و خویش شان را ببینند یا بیایند دیدن من، حالا نمی توانند. تبعیدند، بدون حکم.

حالا از دست خویشتن فریاد. من گشتم، بینم در تواریخ و یک قدری در روزنامه ها و جریانات امروز که آیا هیچ سابقه دارد کسی را بی حکم، بی محاکمه و حتی بدون اسم (اسم اینها را هم نمی دانیم) کسی را تبعید کنند! تبعید کنند به کجا؟ تبعید کنند به یک غیر وطن خودش. این درواقع یک نوع حبسی است که اجرا می شود در منزل خودش، یعنی همان حصر خانگی.

حقوقدان ها حتماً در این فکر هستند که برای این نحوه کاریک چیزی بنویسند. یک امر حقوقی، یک امر قضائی است. منتها خیلی ها امر «قضائی» با «قاف، ضاد» را تبدیل به امر «غذایی» کردند یعنی با «غین، ذال»، یعنی بخورند هر چه ... نمی دانم من که ...

از همه می خواهم که دعا کنیم از صمیم قلب، خدایا! خودت برای ما یک کاری بکن، از ما که کاری بر نمی آید ولی خودت بکن. البته این توجه را داشته باشید اینکه ما گفتیم از ما کاری نمی آید، نه اینکه در خانه مان بنشینیم. آیه ی قرآن است که در یک موردی شبیه به این، خداوند وحی کرد و به پیغمبرش فرمود: هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ (سوره انفال، آیه ۶۲)، آن خدایی است که با کمک خودش، با نصرت خودش و به کمک مؤمنین تو را یاری کرد. دو نکته است: أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ، حالا نصر خداوند که ما نمی بینیم ولی از نصر مؤمنین ...، آخر مؤمنین هم حتی خودشان مورد ...

حالا ان شاء الله خداوند به روی ما و به روی همه ی مردم و به روی همه ی دوستان سابق، آشناهای دیروز و دشمنان امروز، در رحمتی بگشاید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح پنجشنبه ۱۳۹۳/۷/۱۷)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی / شرح رساله شریفه پندصلح / شرح فرمایشات حضرت بجا علیعلیه السلام (شرح رساله حقوق) / شرح فرمایشات حضرت صادق علیعلیه السلام (تفسیر مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه) / جزوات موضوعی (درباره ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس قهری، امر به معروف و نهی از منکر) / جزوات رفع شبهات باگزیده های از بیانات / جزوات پرسش و پاسخ باگزیده های از بیانات / مکاتیب عرفانی (مجموعه ی پاسخ به نامه ها) / مجموعه دستورالعمل ها و بیانیه ها / شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم / کفت و گوهای عرفانی (مجموعه ی مصاحبه ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.